

تجربه‌ای متفاوت در سرزمین توربین‌های بادی!

خوش به حال همه‌ی آن‌هایی که تابستان‌شان را در اردوهای دوستی هلال‌احمر گذراندند. ما که این‌جا پشت لپ‌تاپ‌های مان عکس‌ها را می‌بینیم دل‌مان آب می‌شود و آرزو می‌کنیم کاش یکی از نوجوان‌هایی بودیم که در این هیاهوی دوستی شرکت و تجربه‌ای متفاوت را کسب کرده‌اند. در خبرها و شماره‌های قبلی گفته بودیم که این اردوها در سه بخش آموزشی، فرهنگی و تفریحی برگزار می‌شوند. نوجوان‌هایی که در این اردوها شرکت می‌کنند علاوه بر بازی و تفریح با آخرین روش‌های امداد و نجات توسط استادان صاحب‌نام آشنا می‌شوند و مهارت‌های زندگی و فردی مثل خلاقیت و کار گروهی آموزش می‌بینند.

به غیر از این‌ها بچه‌ها از موزه‌ی میراث روستایی، جنگل سراوان و... هم بازدید می‌کنند و در بخش علمی هم از سرو هرزه ویل (سروی که ناصر خسرو هزار سال پیش از آن بازدید داشته و بیان کرده که این سرو قدیمی دو هزار سال دارد) هم بازدید می‌کنند. آدم منجیل برود و از سد منجیل و توربین‌های بادی آن‌جا دیدن نکنند؟ هاه، معلوم است که هر کسی که پیش به منجیل می‌رسد، سری هم به سد و توربین‌های بادی می‌زند.

این هم یک گزارش تصویری از پسران دانش‌آموز استان‌های آذربایجان غربی، کرمان، اردبیل و... که در پنجمین اردوی دوستی شرکت کرده‌اند:



دانش‌آموزان از استان‌های مختلف دور هم جمع شده‌اند تا فرصتی متفاوت را تجربه کنند.



دانش‌آموزان در این اردو حرکت‌های استقامتی را آموزش می‌بینند.



دانش‌آموزان و مربی آن‌ها در حال آموزش و یادگیری کمک‌های اولیه



همه‌اش آموزش امداد و نجات و کمک‌های اولیه که نمی‌شود. مسابقات طناب‌کشی یکی از تفریحات هیجان‌انگیز و شادی‌ست که بچه‌ها در این اردو تجربه می‌کنند.

وقت جزغالگی آرامش تان را حفظ کنید!



حادثه هیچ‌گاه خبر نمی‌کند. این جمله‌ای است که تا به حال ششصد و شصت‌وشش بار شنیده‌ایم و عین خیال‌مان هم نیست. خوب حالا که چی؟ هیچی، خیلی‌های مان وقت رخ دادن حادثه نه می‌دانیم چه‌طور باید رفتار کنیم، نه آموزش دیده‌ایم که چه کنیم. دست روی دست می‌گذاریم و فکر می‌کنیم حادثه برای غاز همسایه اتفاق می‌افتد! (غاز؟ چه ربطی داشت؟) عکس‌العمل اکثرمان جیغ و ویغ است. بعضی‌ها هم که خیلی رمانتیک باشند، غش می‌کنند. «آگاهی داشتن» و «آموزش دیدن» در هر زمینه‌ای می‌تواند برای بهتر عمل کردن و نتیجه‌ی مطلوب گرفتن کمک‌بهتری باشد.

حالا سوال این است: اگر سوختیم چه کنیم؟

الف) فوت کنیم.

ب) شوت کنیم.

ج) غش کنیم.

د) جای سوختگی را نگاه کنیم.

ه) مگر قرار است کاری کنیم؟

البته سوختگی انواع مختلفی دارد و ما قرار است در این مطلب به سوختگی با آب بپردازیم.

سوختگی با آب دو دسته است: وسیع و خفیف.

سوختگی وسیع با آب جوش را تعریف کنید.

سوختگی وسیع یعنی این‌که حسابی بسوزیم و جیغ‌مان از ته حلقوم‌مان بیرون برزند.

اگر کسی با آب جوش سوخت چه کنیم؟

آرامش خودمان را حفظ کنیم و الکی جیغ و ویغ راه نیندازیم. بهتر است از یک امدادگر اورژانس کمک بخواهیم.

به جای جو دادن و هول کردن، به مصدوم آرامش بدهید.

قسمت سوخته را زیر آب سرد بریزید یا هر مایع خنک بی‌ضرری را روی قسمت سوختگی به مدت ۱۰ دقیقه قرار بدهید تا درد کمی تسکین پیدا کند.

لباس‌های تنگ و زیورآلات مصدوم را از تنش در بیاورید.

قسمت سوخته را بی‌حرکت نگه دارید.

از یک پانسمان تمیز، استریل و غیرچسبیده و بدون مالیدن دارو استفاده کنید. می‌توانید به جای آن از پارچه‌ای بدون پرز

(مثلا یک پارچه‌ی کتان تمیز) استفاده و آن را توسط بانداژ در جای خود محکم کنید.

اگر فرد آسیب‌دیده، هوشیار است، به او جرعه‌های کوچک آب بنوشانید.

اگر مصدوم هوشیار نیست، علایم حیاتی مثل راه هوایی، تنفس و گردش خون را کنترل کنید و او را به پهلو بخوابانید تا امدادگر اورژانس از راه برسد.

یک نکته‌ی خیلی خیلی مهم هم این است که از خودتان دکتربازی و خلاقیت نشان ندهید و قسمت آسیب‌دیده را دست‌کاری نکنید. چون بخش سوخته و آسیب‌دیده بسیار حساس و مستعد شوک و عفونت است.

حالا اگر سوختگی خیلی هم شدید نبود، چه کنیم؟

همان کارهایی که در بالا شرح داده شد انجام بدهید. با این تفاوت که لازم نیست به اورژانس زنگ بزنید. خنک‌کردن بخش سوخته، آرامش‌دادن به مصدوم، درآوردن لباس‌های تنگ یا زیور آلات و پوشاندن ناحیه‌ی مصدوم با یک پانسمان تمیز و غیرچسبیده از جمله کارهایی‌ست که باید در هنگام سوختگی خفیف انجام بدهید.

اگر دهان و حلق‌مان سوخت چه کنیم؟

می‌توانیم دهان‌مان را اندازه‌ی دهان تمساح باز نگه داریم و ساعت‌ها رویه روی یک پنکه‌ی روشن بنشینیم و خنک شویم. اما اگر بخواهیم خیلی علمی و امدادی به این آسیب‌دیدگی بپردازیم، باید دهان‌مان را شست‌وشو دهیم و مایعات بیش‌تری بنوشیم و اگر سوختگی خیلی بیش‌تر از این حرف‌ها بود، به اورژانس زنگ بزنیم و از یک امدادگر کمک بخواهیم.